

# اولین حکومت کارگری



دیجیتال کننده : نینا پویان

# اولین حکومت کارگری

زیبا  
تاریخچه

نشر بین الملل : تهران - خیابان فروردین  
اولین حکومت کارگری  
چاپ اول  
سال ۱۳۵۷

دو رهبر دانشمند طبقه کارگر جهان در مورد  
اولین حکومت کارگری چنین نظر داده اند :  
"اگر دولت کارگری شکست بخورد، مبارزه —  
فقط به عقب می افتد. اصول دولت کارگری برای  
همیشه است . به همین جهت دوباره و دوباره  
تکرار خواهد شد، تا جایی طبقه کارگر  
سرمایه داری را بکلی نابود کرده و آزاد شود.  
"اگر دولت کارگری پاریس در روبروی سر—  
مایه داران بصورت متحد، دست به اسلحه نمی—  
برده، آیا ممکن بود پیروز شود؟ و آیا ماحق  
نداریم این دولت را سرزنش کنیم به این دلیل  
که از نیروی مسلح آنطور که باید استفاده  
نکرده است؟"



۱ - در بهمن ماه ۱۲۲۶ (حدود ۱۳۱۰ سال پیش) در یکی از کشورهای اروپا، دو تن از آموزگاران کبیر طبقه کارگر، در اولین بیانیه خود، در باره حکومت کارگری چنین گفتند: طبقه کارگر فقط به وسیله سرنگون کردن سر-مایه داران با نیروی اسلحه می‌تواند قدرت را به دست گیرد.



۲ - کارگران فرانسه در خرداد ۱۳۲۶ با  
سرمایه داران حاکم بر فرانسه وارد یک نبرد  
انقلابی مسلحانه گشتند. شعار کارگران این  
بود: مرگ بر سرمایه داری! برقرار باد  
حکومت کارگری!



۳ - همزمان با رشد علم آزادی کارگران  
( یعنی راه و رسم مبارزهٔ طبقه کارگر بر  
علیه طبقه سرمایه دار ) جنبش کارگری در  
فرانسه نیز گسترش پیدا کرد . موج های  
انقلاب ، یکی بعد از دیگری ، بر پیکر  
گندیدهٔ سرمایه داری فرود می آمد . در سال  
۱۲۴۸ کارگران در شهر "کریزو" دوباره دست  
به اعتصاب می زنند و حکومت با زیچهٔ دست  
سرمایه داران را به نبرد بیرحمانه میکشاند .



۴ - در این شرایط که مبارزهء کارگران هر روز دامنهء بیشتری پیدا میکند، دولت فرانسه بر علیه کشور همسایه به نام "پروس" اعلام جنگ می کند. این عمل برای منحرف کردن کارگران و مردم از مبارزه صورت می گیرد. ولی ارتش دولتی شکست می خورد. امپراطور فرانسه اسیر میشود؛ ارتش "پروس" تا اطراف پاریس پیشروی میکند.





۵ - کارگران با این حال از پا نشستند  
و به مبارزه مسلحانه تا آخرین نفس ادامه  
دادند، و بالاخره در شهریور ۱۳۴۸ ناپلئون  
و امپراطور یس سرنگون گردید.



۶ - اما این پیروزی طول نکشید، زیرا در این زمان طبقه کارگر تشکیلات مخصوص به خود نداشت. همین ضعف و کمبود به سرمایه داران امکان داد تا با تشکیل يك دولت به اصطلاح دفاع ملی، به سرپرستی يك خائن خودفروش به نام ژنرال "تروشو" توطئه‌ای چیده و مجدداً دولت به دست دشمن کارگران "آدولف تی‌سرز" افتاد. او برای نجات دولت خود که هیچ پایگاهی در بین زحمتکشان نداشت از دو - سستی با کشورهای دیگر درآمد تا در موقع لازم از حمایت آنها برخوردار باشد؛ در عین حال از نظر داخلی سرکوب وحشیانه مبارزه کارگران را در پیش گرفت.



۷ - همانطور که دیدیم دولت کهنه پرست فرانسه که میخواست اوضاع گذشته را به هر ترتیب برگرداند؛ از دولتهای خارجی برای سرکوب طبقه کارگر کمک خواست. با این ترتیب وظیفه کارگران میارز خیلی سنگین تر شده بود، آنها مجبور بودند هم با دشمن خارجی و هم با دشمن طبقاتی داخلی بجنگند به همین جهت لازم بود تا ارتش جنگنده و در عین حال منظمی بسازند. به زودی به دنبال این جریانات، "کمیته مرکزی گارد ملی" تشکیل شد و کارگران جانباز برای جنگ با دشمنان خویش شروع به ثبت نام در این ارتش کردند.



۸ - طبقهء کارگر در حین مبارزه یادگرفت  
که برای آزاد کردن طبقهء خویش، باید تمام  
کشور را آزاد کند، گارد ملی ( مرکب از کار-  
گران مبارز و فداکار ) وارد میدان جنگ شد  
در اولین حملهء همگانی بر علیه ارتش "پروس"  
در منطقهء "مونت رنو" نیروی دشمن را تار و  
مار و کاملاً نابود کرد.



۹ - شکست افصح آمیز ارتش خارجی -  
"پروس" دولت سرمایه دار داخلی را به وحشت  
انداخت . طبقهٔ صاحب سرمایه به چشم خود می-  
دید که کارگران بصورت متحد و یکپارچه، چه  
نیروی عظیمی را تشکیل میدهند، روی همین  
اصل بود که سرمایه داری دست به سرکوب  
وحشیانه کارگران مبارز زد، با این امید  
پوچ که آنها را نابود نماید. ولی ارتش  
گارد ملی در ۹ آبان ۱۳۴۸ به محل سکونت این  
دولت خائن و جنایتکار حمله برد و عده ای از  
اعضای آنرا دستگیر نمود.



۱۰ - در اول آبان ۱۳۴۹ تمام گردانهای گارد ملی کارگران از تمام نقاط جمع میشوند و به گردانهای ارتش سرمایه داری یورش می-برند. ارتش دست نشانده که از بهره-کشی وحشیانه سرمایه از کارگران تشکیل و ایجاد شده بوده، با شدت بیشتری کارگران را سرکوب میکند. با وجود این طبقه کارگر با این آگاهی که فقط و فقط به زور اسلحه و با تکیه به ارتش منظم خود میتواند خود را ره-نماید، تماما " دست به اسلحه میبرند تا خود را برای پیروزی نهایی آماده نمایند.



۱۱ - روز به روز تعداد بیشتری از کارگران وارد ارتش "گارد ملی" میشدند، و این مسئله خطر بزرگی برای نیروهای دشمن به وجود آورده بود. روی این حساب بود که دولت ضدکارگری تصمیم میگیرد که به پایگاه ارتش کارگری حمله نماید و اسلحه آنها را تصرف نماید.



۱۲ - در روز ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ نیروهای ارتش  
مزدور و ضد ملی برای تصرف توپخانه گارد ملی  
کارگران که بر روی تپه " مون مارتر " در  
حال پاسداری بود؛ حمله می‌برد. در این  
حمله ضد انقلابی ارتش دولتی، اولین گلوله  
از طرف نیروهای دشمن شلیک میشود. جنگ  
طبقاتی آغاز میشود.





۱۳ - اما این مانور دولت نقش بر آب شد.  
زحمتکشان پاریس خشمگین از این عمل بی‌شرمانه  
رژیم حاکمه، بلافاصله دست به اسلحه می‌برد  
جنگ آغاز میشود. ارتش کارگران نیروهای  
دشمن را که به منطقه آزاد شده آنها  
تجاوز کرده بود، محاصره میکند. اینک کار-  
گران مسلح حمله را آغاز میکنند.



۱۴ - البته باید متوجه بود که در میان  
سربازان ارتش دشمن کسانی بودند که از فر-  
ماندهان خود ناراضی بودند، زیرا آنها نمی-  
خواستند به سوی هموطنان زحمتکش خود شلیک  
کنند، ولی سرمایه داران از ارتش فقط بعنوان  
چماقی برای سرکوب مردم استفاده میکردند.  
دو افسر ضد انقلابی که بارها فرمان تیر-  
اندازی به سوی کارگران را صادر کرده بودند،  
از طرف سربازان زیر دست که از اجرای دستور  
سرپیچی کرده بودند، زندانی و بعد اعدام می-  
شوند.



۱۰ - با وجود این شکست افتضاح ارتش و دولت دست نشانده به سرکردگی "تی پرز" باز هم دست از ادامه جنگ برنمیدارد. او فرمان جمع و حمله همگانی را بر علیه طبقه کارگر (یعنی قیام کنندگان) صادر می کند.



۱۶ - اما طبقه کارگر با خشم و شجاعت انقلابی خود جوابی دندان شکن به دشمن خونخوار میدهد. طبقه کارگر سرشار از روحیه و جرات و فداکاری، برای نابود کردن کامل سرمایه داری و دولت مزدور و وارد در میدان پیکار میشود.



۱۷ - در همان روزها بود که "کمیته" مرکزی  
گارد ملی "کارگران یک جلسه" فوق العاده  
تشکیل میدهد. در این جلسه کارگران تصمیم  
میگیرند که وزارت جنگ ساختمان مجلس و دیگر  
ساختمان های مهم دولت را اشغال کنند. جنگ  
مسلحانه زحمتکشان با سرعت باور نکردنی  
گسترده میشود و به پیروزی های پی در پی نائل  
میگردد.



۱۸ - حمله های جانانه و پیروزی های پی در پی ارتش کارگری رئیس دولت و دار و دسته اش را در خطر مرگ قرار میدهد؛ به همین جهت در ساعت سه بعد از ظهر ۲۷ اسفند اعضای دولت - مانند سگهای کتک خورده - با عجله و پریشانی، از ترس جان خود، به طرف کاخورسای واقع در ۱۸ کیلومتری پاریس فرار میکنند.

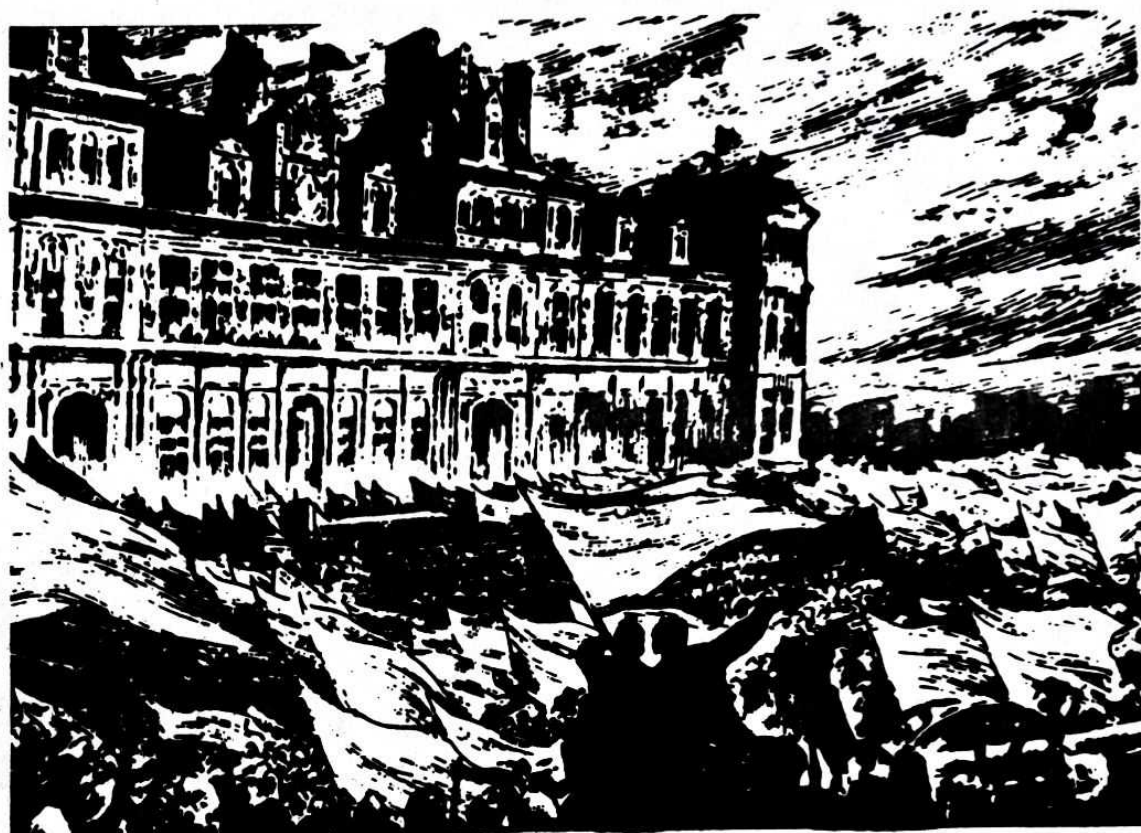


۱۹ - عصر همان روز تمام پاریس آزاد میشود  
بر روی ساختمان مجلس، پیروزمندان پرچم  
سرخ طبقه کارگر برافراشته میشود. طبقه  
کارگر با تکیه بر ارتش مسلح خویش، دولت و  
ارتش دست نشانده سرمایه داران را در هم  
میشکند و اولین حکومت کارگری را در جهان  
پایه گذاری می کند.



۲۰ - در ششم فروردین ، دولت کارگری  
جدید يك انتخابات آزاد اجرا میکند که در هیچ  
کجا و هیچ زمانی لنگه نداشت . در این روز -  
تمام زحمتکشان پاریس برای انتخاب نماینده های  
خود با علاقه در انتخابات شرکت میکنند . همه  
شغل ها و پست های مهم دولت را کارگران یا  
نمایندگان آنها اشغال میکنند .





۲۱ - در هشتم فروردین يك اجتماع عمومی در میدان شهرداری پاریس تشکیل میشود و در این روز به یاد ماندنی ، نخستین دولت کارگری اعلام موجودیت میکند. تمام شهر در جشن و سرور غرق میشود. صدها هزار مردم زحمتکش و انقلابی در حین اعلام اولین حکومت کارگری یکسره فریاد میزدند : " زنده باد حکومت کارگری ! " به طوریکه زمین و زمان به لرزه در آمده بود.

برای اولین بار در تاریخ بشری ، حکومت کارگران افتتاح گردید.



۲۲ - پیروزی کارگران انقلابی پاریس، از پشتیبانی و حمایت تمام زحمتکشان در سراسر کشور برخوردار میشود و به زودی موج نیرومند انقلاب سرتاسر مملکت را می پوشاند. در سوم فروردین، کارگران بکی از مناطق فرانسه از سایر برادران انقلابی پیروی کرده و دست به قیام و مبارزه میزنند و دولت کارگری خویش را تأسیس میکنند.



۲۳ - کارگران یکی از شهرهای بزرگ صنعتی فرانسه که مبارزات افتخارآمیز زحمتکشان آن از سابقه طولانی برخوردار بوده در دهه اردیبهشت ۱۲۴۹ مانند برادران دیگر خود به قیام برمیخیزند و تمام سرمایه داران را با نیروی همبستگی و مبارزه خود نابود میکنند و دولت کارگری خویش را پایه گذاری مینمایند.



۲۴ - کارگران بعد از ایجاد حکومت کارگری مشاهده کردند که با دستگاه و افراد دولت سابق که از ریشه و پایه فاسد شده‌اند، نمی‌تواند قدمی در جهت تأمین منافع مردم زحمت‌کش بردارند؛ بنابراین بلافاصله تمام سازمان‌های دولت قبلی را منحل کردند و سازمانهای جدید به سرپرستی کارگران ساده و زحمتکش ایجاد کردند که در خدمت تمام کارگران و زحمت‌کشان قرار داشت.



۲۵ - بدون شك نیروی ارتش و پلیس نیز نباید به صورت سابق وجود داشته باشد، زیرا در زمان حکومت سرمایه داران به ارتشیان تعلیم میدادند که چگونه مردم وطن خود را سرکوب کنند؛ ساز - مان ارتش و پلیس نیز منحل و ارتش کارگری جای آنرا می گیرد.



۲۶ - ماشین دولتی سرمایه‌داران، در اثر  
مجاهدات و مبارزات کارگران غیور، در هم  
شکسته شد. در انتخابات عمومی، کارگران -  
بیشترین رأی را برای ادارهٔ امور دولت  
جدید، به دست آوردند. حالا این کارگران  
بودند که قانون‌گذاری میکردند و آنرا اجرا  
می‌نمودند؛ در این صورت میتوان فهمید که  
چه بر سر سرمایه‌داران آمد.



۲۷ - اولین اقدام دولت کارگری که موافق با منافع طبقه کارگر و برای بهبود شرایط زندگی این طبقه صورت گرفت، عبارت بود از: جلوگیری از اخراج کارگران؛ جلوگیری از کم کردن دستمزد کارگران و مهمتر از اینها اداره کارخانه‌هایی را که صاحبانشان فرار کرده یا تولید را متوقف کرده بودند، به کارگران همان کارخانه‌ها سپرد.



۲۸ - دولت کارگری، همه اشیاء و وسایلی  
را که زحمتکشان از زور نداری و فقر، در گرو  
گذاشته بودند، به صاحبانشان پس داد و مقدا-  
ری از قرضها را لغو نمود و زمان پرداخت  
مقداری از قرضها را طولانی تر کرد.





۲۹ - اقدام بعدی دولت جدید کارگری تسویه حساب با کثیشها بود که سالها خرافات و فکرهای پوچ را در میان مردم رواج میدادند و در واقع شريك و همکار غارت سرمایه داران بودند.

به زودی کتابهای درسی هم از نو تهیه شدند.



۳۰ - در یکی از همین روزها ، در منطقه ۱۱  
شهرداری پاریس یکی از زندانها و شکنجه -  
گاههای رژیم سابق مورد حمله کارگران قرار  
گرفت و کلیه وسایل شکنجه را که برای قصابی  
و سرکوبی انقلابیون استفاده می کردند بسه  
آتش کشیدند .



۳۱ - در این زمان که کارگران مشغول  
اقدامات انقلابی خود بودند، سرمایه‌دارانی  
که فرار کرده بودند دست به توطئه زده و  
نیروهای ارتشی مزدور را به محاصره پاریس  
کشاندند. کارگران با فرستادن بال‌های به  
سایر نقاط فرانسه، از بقیه زحمتکشان خوا-  
ستند تا در این جنگ، با آنها همراه شوند.



۳۲ - دولت کارگری برای حفظ پیروزیهای  
به دست آمده دست به ایجاد يك دادگاه نظامی  
زد که بوسیله آن تمام روزنامه‌هایی که از  
منافع سرمایه داران دفاع می کرد توقیف  
کرده و فروش آنها را ممنوع نمود. به این  
طریق با اتکا به نیروی زور و قهر  
کارگران جامعه را از وجود تمام وسایلی که  
در خدمت سرمایه داری بود پاک نمود.



۳۳ - دولت کارگری پاریس به عنوان اولین  
دولت کارگری جهان پرچم حمایت از تمام کار-  
گران جهان را برافراشته میکند و به این  
وسیله اعلام می‌دارد که با تمام کارگران و  
زحمتکشان جهان متحد است و از این فکر پیروی  
میکند که کارگران بدون آزاد کردن تمام زحمت  
کشان جهان، نمی‌توانند خود را آزاد کنند.



۳۴ - در این ایام که شور انقلاب همه جا  
را گرفته بوده، دولت کارگری مجسمه "یاد بود  
پیروزی ناپلئون" را در میدان "واندوم" پاریس  
به زیر کشیدند و نام میدان را "بین المللی"  
گذاشتند.



۳۵ - پرچم سرخ انقلاب بر فراز  
شهر پاریس برافراشته میشود. قیام کارگران  
پاریس به شدت با دنیای کهنه سرمایه داری که  
مادر فساد، ظلم، بهره کشی و مصیبت بود  
می جنگیده و لی سرمایه داران هم به جنگ  
ضد انقلاب ادامه میدادند. نیروهای ضد  
انقلاب "تی ریز" با همکاری ارتش پروس به  
پاریس حمله ور میشوند.



۳۶- با وجود حملهٔ وحشیانه، حکومت  
کارگران با پیام: " زحمتکشان و کارگران!  
با تمام قوا از حکومت انقلابی خود دفاع  
کنید! " توده‌های مردم را به مبارزه دعوت  
میکند.





۳۷ - اکثریت طبقه کارگر با فداکاری و روحیه‌ای کاملاً "انقلابی و با آگاهی در - در این نبرد بزرگ شرکت می‌کنند. آنها شب و روز به کندن و ساختن سنگرها و قلعه‌ها و محکم کردن دژها مشغول می‌گردند. توپخانه و مهمات جنگی را تقسیم میکنند؛ با قلبی پر از کینه و تنفر به دشمن طبقاتی، همدگی و یکپارچه تا آخرین قطره خون خود و تا پای جان آماده جانبازی می‌گردند.



۳۸ - در عکس بالا يك کارگر پیر رزمنده  
که سه فرزندش در ارتش کارگران ثبت نام -  
کرده اند تا به مقابله با دشمن بپردازند،  
مشغول نوشتن نامه های به فرمانده ارتش  
کارگری است . او در این نامه خواهش میکند  
که اجازه بدهند تا آخرین پسرش که ۱۰ سال -  
دارد، نیز در جنگ رهایی بخش شرکت کند .



۳۹ - به زودی خبر محاصره چند صد هزار -  
نفری پاریس و دولت کارگری به وسیله نیروهای  
ارتش "ورسای" و ارتش "پروس" به گوش کار-  
گران مبارز میرسد. وضع وخیمی بود؛ ولی  
ارتش نیرومند و متحد کارگران از قربانی نمی  
ترسد و شجاعت خاص کارگری خویش را نمایان  
میکند.



۴۰ - ده هزار نفر از زبده‌ترین سربا زان دست‌نشانده به فرماندهی دو مزدور به نام- های "کوریولی" و "پونو" به پاریس حمله میکنند. اما دوهزار نفر از افراد ارتش کارگری با شجاعت تمام ، بعد از چند ساعت مبارزه ، آنها را تار و مار و به کلی نابود میکنند .



۴۱ - در یکی از نواحی پاریس ، جوان کار -  
گری که مسئول نگهبانی از قلعه‌ای جنگی بود  
تصمیم می‌گیرد که اگر دشمن به او حمله  
کند، تا پای جان مقابله کرده و چنانچه  
دشمن به قلعه دست یابد، ذخایر اسلحه را  
منفجر کند. این قلعه جنگی ده روز تمام  
در مقابل دشمن ایستادگی کرد.



۴۲ - سرنشینان يك كشتی جنگی ارتش  
کارگری بعد از مدت‌ها مقاومت قهرمانانه  
در حالیکه همراه کشتی خود غرق می‌شدند،  
و مرگ را در کنار خود میدیدند، فریاد می-  
زدند: "زننده باد دولت کارگری!"

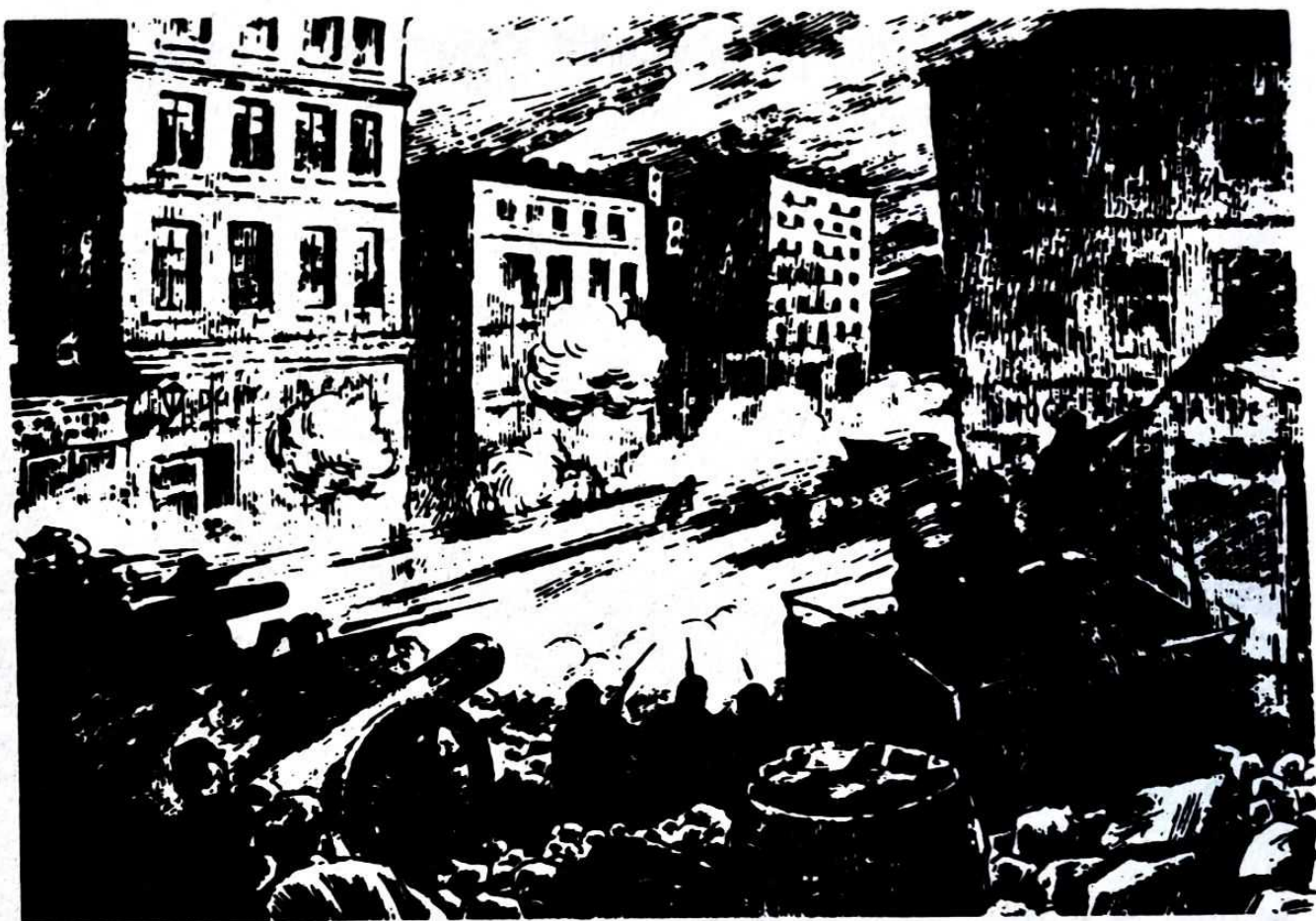


۴۳ - زنان زحمتکش پاریس تمام وظایف میدان جنگ را انجام میدهند. بیشتر از ده هزار نفر از کارگر زن، برای شرکت در جنگ اسلحه به دست میگیرند. گردان زنان داوطلب در جنگ برای نجات حکومت کارگری نقش بزرگی به عهده میگیرد.



۴۴ - دو برادر به نامهای "ارنست" ۱۴  
ساله و "لوک دوآن" ۱۷ ساله، در یک نبرد تن  
به تن شرکت میکنند. آنها در حین دفاع از  
پیرجمی برافراشته در یک سنگر خیابانی به  
دست نیروهای "ورسای" شهید میگردند؛ ولی  
در این حال پدر آنها تفنگ را برمیدارد و  
با ایمان به حکومت نجاتبخش کارگری بسه  
مبارزه ادامه داد.





۴۵ - در سی ام اردیبهشت ارتش ضد کارگری "تیپرز" يك حملهء عمومی را علیه حکومت جدید شروع میکنند. در ۳۱ اردیبهشت پایگاهها و قرارگاههای کارگران مورد حملهء ناگهانی واقع میشود. ارتش "پروس" نیز در این حملهء گسترده همراه ارتش "تیپرز" بود. در دوم خرداد، مهمترین پایگاه کارگران واقع در تپهء "مون مارتر" سقوط میکند، ولی تصرف هر قدم آن به بهای سنگین برای دشمن تمام می شود.



۴۶ - در این هفته خونین ، شهادت‌ها ،  
و فداکاریهای بی نظیر کارگران نمایان می -  
شود . مثلا " در ساحل چپ رودخانه يك کارگر  
با شش قبضه تفنگ ، يك هنگ ارتش مزدور را  
۶ ساعت متوقف میکند .



۴۷- ۷ خرداد: دست‌انگشتکاران حکومت  
سابق وارد شهر میشوند. شهر به دست دشمن  
می‌افتد. در یکی از سنگرها کارگر غیوری پر-  
چم برافراشته، ارتش دشمنان را پاره کرده و  
و پائین میکشد. ایستادگی قهرمانانه با شدت  
هر چه تمامتر ادامه می‌یابد.



۴۸ - ۸ خرداد: رزمندگان ارتش کارگری در  
سنگر قبرستان "پرلاشز" با خشم و کینه بی-  
پایان نسبت به سرمایه داران صحنه های به یاد  
ماندنی می آفرینند. آنها از هر وجب از سر-  
زمین حکومت خویش تا آخرین قطره خون دفاع  
میکنند. در این محل ۲۰۰ نفر کارگر فداکار  
به مقابله با بیش از ۵ هزار نفر میپردازند،  
با وجود برتری فاحش نیروهای دشمن هیچیک  
از کارگران تسلیم نشده و اسلحه را به  
زمین نمی گذارند.



۴۹ - بالاخره قوای دشمن کارگران را به محل بن بستى از دیوار قبرستان میکشانند. آنها تا آخرین نفس در حالیکه فریاد رسای "زننده بساد حکومت کارگری!" در فضای قبرستان پیچیده بود، ایستادگی می نمایند.

بعدها زحمتکشان پاریس این دیوار را دیوار متحدین نامیدند. این دیوار یادآور دفاع از اصول و شرف و حکومت کارگری تا پای جان، میباشد.



۵۰ - دفاع دلیرانه کارگران در این جنگ  
فابرابره همه زحمتکشان را به مقاومت مسی-  
کشاند. حالا از هرکوی و برزن، از هر بام  
و پنجره‌ای، دفاع برای حفظ حکومت کارگری  
آغاز میشود. آنها مرگ را بر تسلیم ترجیح  
میدادند.



۵۱ - رفتار کارگران اسیر در " بیداد -  
گاه " های سرمایه داران و یا در پای چوبه  
دار، غرور آفرین و قهرمانه بود. آنها  
مرگ را كوچك می‌شمردند، زیرا به این اصل  
مسلم ایمان داشتند که :- تنها راه رهایی  
بشریت از چنگال فقر، فساد، بیعدالتی و...  
بهره‌کشی وحشیانه انسان از انسان، استقرار  
حکومتی است که فقط و فقط به دست  
توانای کارگران ستمدیده ایجاد و اداره شود.



۵۲ - يك كارگر زن با اراده‌ای به محکمی  
و پایداری همچون کوه، در "بیدارگاه" چنین  
گفت: انقلاب کارگری برای من مقدس‌ترین  
فکر است. انقلاب کارگری به من نیرو می‌دهد،  
اگر مرا زنده بگذارید، هیچوقت دست از انتقام  
نخواهم کشید.





۵۳ - دو رهبر بزرگ طبقه کارگر، مبارزه کارگران پاریس را رهبری مینمودند. آنها به درستی یادآوری میکردند که سرمایه دار دشمن آشتی ناپذیر کارگر است. آنها به عادلانه کارگران بر علیه سرمایه داران را بسیار مهم تشخیص داده و به آنها اهمیت جهانی قایل بودند.



۵۴ - یکی از این دو رهبر کبیر طبقه کار-  
گره در کتاب خود بنام "جنگ طبقات در فرانسه"  
عظمت و بزرگی حکومت کارگران را نشان داد.  
او در این کتاب قیام کارگران را بر علیه  
سرما یه داران و دولت حاکم بررسی میکند و نتیجه  
میگیرد که: "کارگران نمیتوانند با دستگاہها و  
ادارات سابق دولتی کشور را اداره کنند، بلکه  
او باید این ماشین پوسیده دولتی را بکلی در  
هم بشکنند و حکومت خود را به وجود آورد. البته  
با تکیه به این اصل که: آزادی برای کلیه"  
زحمتکشان و دیکتاتوری برای دشمنان زحمتکشان



۵۵ - پس از شکست خونین اردیبهشت ماه یکی  
از شاعران که عضو دولت کارگری بود، بنام  
"پوتیر" سرود بینالمللی کارگران را میسراید  
و دیگری آهنگی بر روی این سرود میسازد. این  
سرود، احساس کارگران تمام جهان را منعکس  
میکند.



۵۶ - اگر چه عمر اولین دولت کارگری فقط  
۷۲ روز بود، ولی اعمال قهرمانانه و شجاعانه  
عائنه رزمنده کارگرش سرمشقی است برای کارگران  
سراسر جهان، برای ایجاد و حفظ دولت  
کارگری.

نشر بین الملل  
شاهرضا - خیابان فروردین

۳۵ ریال

دیجیتال کننده: نینا پویان